

دکتر حسین نقاد بان

قاضی دادگستری

## تعلیق اجرای مجازات در ایران و لزوم تجدید نظر

### در مقررات آن

مجازات سالب آزادی یکی از ابداعات حقوق کلاسیک است. در دوره های قبل از آن که انتقام خصوصی یا نظریات مذهبی و سیاسی حاکم بر امور جزائی بوده زندان یا برای نگاهداری محکومینی که منتظر اجرای حکم محکومیت بوده اند بکار میرفته و یا جهت جلوگیری از فرار کسانی که بابتهم ارتکاب جرم دستگیر شده و منتظر رسیدگی و سرنوشت خود بوده اند مورد استعمال پیدا میکرده است. مجازات در این ادوار بطور دلخواهی، وحشیانه و غیر مساوی اعمال میشده و پر واضح است که مجازات سالب آزادی نمیتواند این سه صفت را داشته باشد.

با پیشرفت زمان و تکامل تمدن در هر جامعه عده ای به نسبت مقتضیات اجتماعی و سیاسی خودشان ب فکر تعدیل مجازات و از بین بردن شئونات غیر انسانی آن افتادند. این فکر هنوز هم در جوامع مترقی الهام دهنده دانشمندان حقوق جزاست. اولین اقدامی که در این راه معمول گردیده حذف مجازاتهای بدنی و برقراری مجازات سالب آزادی بوده است.

در این راه پیشرفت محسوس نصیب جهانیان گردیده بطوریکه در پاره ای از ممالک راقیه حتی مجازات اعدام لغو شده است در صورتیکه هنوز هم عده ای جهت حفظ نظم اجتماع وجود آنرا ضروری میدانند.

اهمیت روز افزون زندان در سیستم جزائی توجه علمای حقوق جزا را جلب و آنانرا وادار نموده که آثار آنرا دقیقاً مورد مطالعه قرار دهند.

از طرف دیگر کثرت حبسهای کوتاه مدت و افزایش قابل توجه جرم موجب گردیده که از اواخر قرن نوزدهم (۱۸۷۲) تا کنون زندان و مجازات سالب آزادی بطور استمرار مهمترین مسأله جزائی بین المللی بشمار رود.

در کنگره های متعدد بین المللی مربوط بجرم و زندان کلیه جهات و شئونات زندان مورد شور و مطالعه قرار گرفته و بالنتیجه در دومین کنگره بین المللی جرم شناسی که بعد از جنگ دوم جهانی تشکیل گردیده زندان یک عامل مولد جرم شناخته شده است  
«Facteur crimino-gène»

گزارش مستدل هیئت نمایندگی دولت فرانسه بکنگره مزبور که تهیه آن وسیله متخصصین معروف فرانسه مدت دو سال بطول انجامیده مؤید و مبنای این نظر بوده است. یک نظر اجمالی بآثار جسمی، روانی و اجتماعی زندان کافی برای تأیید نظر دومین کنگره بین المللی جرم شناسی است. «Congrès International de Criminologie»

### الف - آثار جسمی زندان

شرایط کار جزائی در زندان، نقصان غذا، کیفیت سکنی و روشنائی و بالاتره چگونگی تهویه اثرات مستقیمی در تنیه مزاجی زندانی داشته و نامبرده را بامراض گوناگون مخصوصاً سل مبتلا می نماید و وضع جسمانی زندانی که غالباً معتاد بالکل یا مواد مخدزه بوده و یا از امراض آمیزی و ارثی بهره ای دارد اجازه کوچکترین مقاومت را نداده و زمینه مساعدی برای بروز ناخوشی میباشد. این مرض در اثر تماس زندانیان و اختلاط آنها با یکدیگر شیوع پیدا نموده و روحیه زندانی را که آینده سیاهتری را در انتظار خود می بیند متزلزل نموده و او را پس از آزادی قهراً بطرف جرم میکشاند.

### ب - آثار روانی زندان

علاوه از عکس العملهای روانی ناشیه از انضباط و کترویل داخلی زندان بطور کلی دو نوع اثر روانی در زندانیان بنظر میرسد. نوع اول مربوط با آغاز بازداشت و مخصوصاً با شخص این سابقه میباشد.

این قبیل افراد که در اثر یک اشتباه و تصادف مرتکب جرمی میشوند بمحض ورود بزندان بخود را بعد از یک زندگی شرافتمند در کنار بزهکاران می بینند. این امر ضربه روحی شدیدی بآنان وارد میسازد که بمنجر بیک حالت مالیخولیائی میشود «Etat mélancolique». نوع دوم در مورد تکرارچی ها «Récidivistes» و اصولاً بعد از مدت بالنسبه طولانی ظاهر میشود.

زندانی بعد از مدتی تحت تأثیر شرایط نامطلوب بهداشتی، اشکالات جنسی، محرومیت از آزادی و گاهی حبس مجرد و زندگی یکنواخت ماشینی در زندان یک حالت خاص روحی پیدا میکند که زندگی غیر عادی زندان و اختلاف آن با زندگی آزاد برده ضمیمی روی آن میکشد.

این اختلال روحی بعد از آزادی ظاهر شده و سد راه او میگردد. زندانی که مدتی دور از مشکلات جامعه بسر برده نمیتواند با آن مطابقت نماید و چون جامعه امکان ادامه زندگی شرافتمندانه را با او نمیدهد ناچار بتکرار میگرداید و بزندان بر میگردد.

### ج - آثار اجتماعی زندان

با توقیف مجرم افراد نزدیک خانواده وی شرمندگی طاقت فرسائی احساس می کنند.

آنان بعد از روحی شدیدی مبتلا میشوند که حتی تا مدتها بعد از آزادی زندانی رنجشان میدهد. درآمد زندانی قطع و خانواده اش بی سرپرست میماند. همسر وی یا جهت تأمین زندگی فرزندان خود کار می کند و یا تقاضای طلاق نموده و زندگی دیگری شروع می کند. بدین ترتیب به تربیت فرزندان توجهی نشده و آنان که قربانیان واقعی و معصوم زندان بوده و از جامعه حمایتی نمی بینند بطرف جرم میروند.

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

و اما در فردای زندان دو مشکل در مقابل آزاد شده قد علم می‌کنند: خود و جامعه. از طرفی زندان جسم و روان آزاد شده را علیل نموده و باو امکان تدریس در مکتب بزه‌کاران سابقه‌دار را داده است. و از طرف دیگر جامعه باو با چشم بدبینی نگریسته و او را از خود طرد مینماید. آزاد شده که جامعه را حاضر باشتی نمی‌بیند مأیوس و با دلی پر از کینه بسراغ سایر مطرودین جامعه که در کمین انتقام نشسته اند رفته و بتکرار می‌گراید.

بمنظور جلوگیری از آثار و خیم زندان و مبارزه با جرم در عصر حاضر بدو نکته مهم توجه بیشتری مبذول میشود.

- ۱ - جلوگیری از بازداشت مجرمین با تعلیق اجرای مجازات و یا صدور حکم محکومیت بمنظور معالجه و اصلاح آنها و تأمین حمایت زندانیان در فردای مجازات.
- ۲ - اصلاح زندان.

تعلیق اجرای مجازات «Sursis à l'exécution de la peine» و یا تعلیق صدور حکم محکومیت «Probation» در دنیای امروز بزرگترین حربه سیاست جزائیی و مؤثرترین آنها بشمار میرود.

قانونگذار ۱۳۰۴ تعلیق ساده اجرای مجازات را ضمن مواد ۴۷ تا ۵۰ قانون مجازات عمومی پذیرفته و بوسیله قانون ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ موارد آن را تعیین نموده است ولی در مدت ۲۴ سالی که از تصویب آن میگذرد این قوانین یا در بوتۀ اجمال مانده و یا بعنوان ارفاق ب مجرم وبدون توجه بمنظور و مقصود غائی آن در موارد معدودی مورد استفاده قرار گرفته است.

برای اینکه لزوم تجدید نظر در مقررات قانونی مربوط بتعلیق اجرای مجازات روشن گردد اینجانب در هفت فصل بشرح زیر مقررات قوانین فوق الذکر را تشریح و معایب آنها را توضیح داده و لایحه تعلیق اجرای مجازات و صدور حکم محکومیت را که بنا بدستور جناب آقای دکتر هدایتی وزیر محترم دادگستری در ۱۹ ماده تهیه نموده و بنظر نگارنده در حال حاضر میتواند با توجه بمقتضیات فعلی کشور مفید واقع شود مورد مطالعه قرار بدهد.

**فصل اول - شرایط تعلیق - (بخش ۱ شرایط ماهوی - بخش ۲ - شرایط شکلی).**

**فصل دوم - قلمرو تعلیق (بخش ۱ - قلمرو تعلیق در مجازاتها - بخش ۲ - قلمرو تعلیق در جرائم).**

**فصل سوم - طبیعت قضائی تعلیق.**

**فصل چهارم - آثار تعلیق (بخش ۱ - مدت آزمایش بخش ۲ - آثار تعلیق در مدت آزمایش - بخش ۳ - آثار تعلیق بعد از پایان مدت آزمایش باسوقیت).**

**فصل پنجم - فسخ تعلیق (بخش ۱ - موجبات فسخ تعلیق - بخش ۲ - نتایج فسخ تعلیق).**

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

فصل ششم - اظهار نظر نسبت بمقررات قانونی تعلیق اجرای مجازات  
( بخش ۱ - معایب - بخش ۲ - محاسن ) .

فصل هفتم - لایحه جدید تعلیق اجرای مجازات و صدور حکم  
محکومیت .

### فصل اول - شرایط تعلیق

بخش ۱ - شرایط ماهوی

ماده ۷؛ قانون مجازات عمومی مقرر میدارد :

« شخصی که بموجب این قانون بواسطه ارتکاب جنحه محکوم  
بجس شده است در صورتیکه سابقاً بواسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی محکوم  
شده باشد محکمه میتواند نظر باخلاق و احوال مجرم و دلائل موجه اجرای  
مجازات را نسبت باو معلق دارد » بموجب این ماده تعلیق اجرای مجازات مستلزم  
اجتماع چهار شرط ماهوی است :

( شرط اول - فقدان سابقه محکومیت )

( الف - فقدان سابقه محکومیت و یا حذف شدن آن بوسیله اعاده  
حیثیت ، عفو عمومی و یا اعاده دادرسی ) - قانونگذار تعلیق اجرای مجازات را  
در درجه اول مشروط بشرطی که در نظر او مهم بوده نموده است. او میگوید که استفاده  
کننده از تعلیق نباید سابقه محکومیت داشته باشد. در صورت مذاکرات یکصد و یکمین جلسه  
کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی در دوره پنجم قانونگذاری علت وجودی این شرط  
تصریح نشده است.

طبق حکایت صورتجلسه مربوطه ماده ۷؛ فعلی قانون مجازات عمومی (ق.م.ع.۰) که  
ماده ۹؛ لایحه بوده فقط با تغییر عبارت « موقوف » به « معلق » بتصویب کمیسیون  
رسیده و اگر وزیر دادگستری و یا اعضای کمیسیون در مورد ضرورت این شرط و یا سایر  
شروط تعلیق اظهاراتی نموده باشند در صورتجلسه منعکس نشده است.

معذک روح قانون مجازات عمومی کفافی برای توجیه این شرط بیساخته.  
بنا بعقیده عدهای تعلیق که تهدید ساده را جانشین اجرای مجازات مینماید بهتر است که  
مشروط بفقدان سابقه محکومیت باشد. زیرا کسیکه با وجود محکومیت قبلی مرتکب جرم  
دیگری شده هرگز با یک تهدید ساده از ارتکاب جرم خود داری نمی‌کند. این استدلال  
تعلیق مجازات تکرارچی‌ها را برخلاف امنیت جامعه میداند.

بنظر اینجانب با توجه بمبتدا و منظور غائی تعلیق ( اصلاح مجرم ) در صورت  
اقتضای سطح فرهنگ و اوضاع اجتماعی جامعه هر موع و دربارہ هر مجرمی که احتمال اصلاحش  
می‌رود باید مجازات مورد حکم قابل تعلیق باشد و در اینصورت تعلیق ساده اجرای مجازات  
کافی نبوده و بمنظور تأمین اصلاح مجرمین و جلوگیری از جرم باید مقررات نظارت و حمایت  
مؤثر وجود داشته باشد.

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

با اینکه تعبیرات ماده ۴۷ ق. م. ع اعم بوده و ممکن است چنین نظر برسد که تعلیق اجرای مجازات کسانی ممکن است که هرگز محکومیت پیدا نکرده‌اند ولی در واقع چنین نبوده و عواملی که محکومیت را از بین می‌برند می‌توانند در موضوع تأثیر کرده و قلمرو تعلیق را توسعه دهند.

### محکومیتی که با اعاده حیثیت زایل شده است

در قانون مجازات عمومی ایران اعاده حیثیت قضائی مانند قوانین اروپائی پیش‌بینی نشده و فقط اعاده حیثیت قانونی ضمن مواد ۵۷ تا ۵۹ منظور گردیده است. نظر بر اینکه اعاده حیثیت محکومیت را از بین می‌برد کسیکه اعاده حیثیت پیدا می‌کند ضابطه محکومیت او از سجل قضائیش حذف گردیده و از نظر امکان تعلیق اجرای مجازات مانند شخصی تصور میشود که ابداً محکومیت نداشته باشد.

زیرا با فرض خلاف آن بقای محکومیت محذوفه در سجل قضائی مجرم لازم می‌آید که مخالف قانون است روی همین اصل استفاده از تعلیق اجرای مجازات در دفعات متعدد با فواصل پنجساله طبق مقررات قانونی مقدور می‌باشد.

### محکومیتی که با عفو عمومی زایل شده است

قانونگذار آثار عفو عمومی را در قانون تصریح نکرده و مستنبط از ماده ۴ ق. م. ع اینست که جنحه و جنایت عمومی موقعی می‌تواند مورد عفو عمومی قرار گیرد که در اثنای انقلابات سیاسی واقع شود و در هر مورد قانون خاصی باید اجازه آنرا بدهد. بدو باید یادآور شد که قانون مجازات عمومی یک قانون عادی بوده و نمیتواند قوه مقننه را از عفو جرائم عمومی باز دارد و لولاینکه آن جرائم خارج از انقلابات سیاسی واقع شده باشد. بعلاوه با وجود فقدان رویه قضائی و سکوت قانون بدون تردید باید گفت که عفو عمومی محکومیت را زایل می‌کند.

عقیده کلیه علمای حقوق جزا بر این بوده و مرحوم دکتر سمعی نیز آنرا تایید کرده است (حقوق جزا - چاپ سوم - چاپخانه مجلس - ۱۳۲۵ صفحه ۱۷۷). لذا محکومیتی که با عفو عمومی زایل میشود باید بمحکوم اجازه دهد تا در ردیف استفاده‌کنندگان تعلیق قرار گیرد.

### محکومیتی که با اعاده دادرسی زایل شده است

در قانون آئین دادرسی کیفری (آ. د. ک) اصل اعاده دادرسی و مقررات رسیدگی آن ضمن مواد ۴۶۶ تا ۴۷۲ پیش‌بینی شده است. قانونگذار با وجود تعیین تشریفات دقیق رسیدگی و با وجود تصریح بآثار موقتی درخواست اعاده دادرسی ابداً با آثار قطعی اعاده دادرسی موقعی که بنقض حکم مربوط منتهی میشود متعرض نشده است این سکوت را علت آنست که با نقض حکم محکومیت ناشیه از آن بکلی از بین میرود و بالنتیجه کسیکه محکومیت سابق او بدین طریق زایل میشود میتواند از تعلیق استفاده نماید.

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

باید یاد آور شد که با وجود فقد نص قانونی و رویه قضائی اشخاصی که طبق مواد ۴۱-۷۸-۱۷۹-۱۸۴ ق.م.ع و نظایر آنها از مجازات معاف میشوند میتوانند از تعلیق استفاده نمایند. چه در این قبیل موارد محکمه بدون صدور حکم محکومیت پس از اجراز ارتکاب جرم از ناحیه متهم معافیت آنها را از مجازات اعلام میدارد.

اینجا یک سؤال پیش میآید: آیا محکومیت بعملی که بعداً عنوان جزائی آن از بین رفته مانع تعلیق هست یا نه؟ قانون تازه‌ای عمل نامشروعی را مشروع اعلام میکند. آیا این قانون اثری در محکومیت‌های سابق از نظر تعلیق دارد یا نه؟

ماده ۴۷ ق.م.ع بطور عموم محکومیت را مانع تعلیق قلمداد و تعرضی باین مسأله نکرده است و چون رویه قضائی نیز در این مورد وجود ندارد با توجه بمفهوم کلی ماده مزبوره از نقطه نظر کاملاً قضائی باید بسؤال اخیر جواب منفی داد ولی بنظر اینجانب باید موضوع را از نقطه نظر سیاست جزائی و با توجه بمنظور غائی تعلیق و قوانین جزائی مورد مطالعه قرار داده و جواب مثبت داد.

### ب - تقدم محکومیت :

قانون بذکر اینکه محکومیت سابق مانع تعلیق خواهد بود اکتفاء نموده بدون تصریح باینکه منظور تقدم تاریخ ارتکاب جرم قبل است یا تاریخ صدور حکم محکومیت اینجانب برای روشن شدن قضیه فروض مختلف امر را مورد بررسی قرار میدهد.

**تقدم تاریخ ارتکاب جرم و تاریخ صدور حکم محکومیت مربوطه از تاریخ ارتکاب جرم موضوع تعلیق .**

اگر جرم و حکم محکومیت قبل از تحقق جرم دوم (موضوع تعلیق) ارتکاب و صادر شده باشد راه حل آسان است. این محکومیت مانع تعلیق اجرای مجازات جرم دوم خواهد بود.

در اینجا میشود علاوه کرد کلیه محکومیت‌هایی که قبل از تصویب قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) صادر شده‌اند مانع تعلیق می‌باشند مگر اینکه مشمول اعاده حیثیت قانونی شده باشند زیرا تعلیق نسبت بمحکمه اختیاری و نسبت بمجرم حقی نیست. و چون تعلیق در حال حاضر حقی محسوب نمیشود بطریق اولی در گذشته نمیتواند چنین تلقی گردد.

**تقدم تاریخ صدور حکم محکومیت با وجود تأخر تاریخ ارتکاب جرم از تاریخ وقوع جرم موضوع تعلیق .**

در صورتیکه محکومیت قبلی ناشی از جرمی باشد که بعد از وقوع جرم موضوع تعلیق ارتکاب شده باشد مشکلاتی ایجاد میشود و برای حل آن دو طریقه قابل تصویر است: طریقه اول - قانون تاریخ صدور حکم محکومیت را در نظر داشته نه تاریخ

ارتکاب جرم زیرا :

«اولاً - ماده ۴۷ ق.م.ع میگوید: «... در صورتیکه سابقاً ... محکوم

نشده باشد ...»

### تعلیق اجرای مجازات در ایران

ثانیاً - قانونگذار با محدود نمودن مواد تعلیق بدو با ماده ۴۷ ق. م. ع که تعلیق را فقط در مورد جنحه جایز دانسته و سپس با قانون ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ که شمول آنرا بطور حصری ببعضی از جنحه‌ها اعلام داشته خواسته است فقط مجرمین بی سابقه و شایسته ارفاق از تعلیق استفاده نمایند. کسیکه در مدت کوتاهی دو جرم مرتکب و بدینوسیله تمایلات خود را بارتکاب جرم ابراز میدارد استحقاق تعلیق را ندارد.

بالتیجه محکومیتی که تاریخ صدور آن از تاریخ محکومیت موضوع تعلیق مقدم است مانع تعلیق خواهد بود و لو اینکه تاریخ ارتکاب جرم از تاریخ وقوع جرم موضوع تعلیق مؤخر باشد.

طریقه دوم - قانونگذار بتاریخ ارتکاب جرم توجه داشته و محکومیت ناشیه از جرمی را که بعد از ارتکاب جرم مورد تعلیق تحقق یافته مانع تعلیق نمیداند و لو اینکه تاریخ صدور محکومیت جرم مؤخر مقدم بر تاریخ صدور محکومیت جرم موضوع تعلیق باشد. زیرا :

اولاً - موقع ارتکاب جرم دوم مجرم هنوز تذکر جامعہ را که بوسیله صدور حکم محکومیت اعمال میشود ندیده و چون تعلیق ضمن تأمین مصالح جامعہ نفع مجرم را نیز در بر دارد باید دامنه شمولش را گسترش داد.

ثانیاً - اگر مطابق قانون هر دو جرم تحت رسیدگی واحد قرار میگرفت مجرم استحقاق دریافت تعلیق را بشرط احراز سایر شرایط پیدا میکرد.

حال اگر در اثریک اشتباه دادرسی و یا اشتباه دیگری بجرائم محکوم دریکجا رسیدگی نشده است نامبرده نباید از تعلیق محروم گردد. اتباع از طریقه دوم بنظر ارجح میرسند. دیوانکشور ایران در اینمورد اظهار نظر نکرده ولی دیوانکشور فرانسه طریقه اخیر را انتخاب کرده است.

ناگفته نماند در صورتیکه محکومیت سابق جریمه باشد مشکل خود بخود مرتفع میگردد.

با انتخاب طریقه دوم ماده ۴۷ ق. م. ع بدینطریق تعبیر میگردد: «... در صورتیکه سابقاً در اثر جنحه یا جنایتی که قبل از ارتکاب جرم مورد تعلیق تحقق یافته محکوم نشده باشد...»

### ج - محکومیت سابق بجنحه یا جنایت :

از محکومیت‌های سابق تنها محکومیت‌های ناشیه از جنحه یا جنایت مانع تعلیق می‌باشد. عبارت محکومیت ناشیه از جنحه یا جنایت محتاج بتوضیح است.

### محکومیت سابق بجنحه یا جنایت عمومی :

در نظر اول چنین تصور توان کرد که با استعمال عبارت جنحه یا جنایت بطور اعم قانونگذار میخواست است کلیه محکومیت‌های ناشیه از جنحه یا جنایت اعم از سیاسی، نظامی و عمومی را مانع تعلیق قلمداد نماید. چه از طرفی برخلاف قانون «Bérenger» است (سناتور فرانسوی «Bérenger» مبتکر تعلیق در اروپا بوده است.

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

نامبرده با استفاده از رژیم آنگلو ساکسن درایمپورد طرحی تهیه و در سال ۱۸۸۴ تقدیم مجلس سنای فرانسه نمود. این طرح بعد از هفت سال در ۲۷ مه ۱۸۹۱ تصویب پارلمان فرانسه رسید. این قانون و همچنین قانون تعلیق ۱۸۸۸ بلژیک که تنظیم کنندگان آن از طرح « Béranger » استفاده کرده بودند مدل و سرمشق سایر مخالفان اروپائی و آسیائی من جمله ایران گردید.

در ماده ۴۷ ق. م. ع لفظ عمومی بعد از جنحه یا جنایت بکار برده نشده، دیوانگشور هنوز این نکته را روشن نموده و اقدامات مقدماتی « Travaux préparatoires » مواد مربوطه نیز کوچکترین اطلاعی در این زمینه نمیدهد.

معدنک بنظر اینجانب تنها محکومیت‌های ناشیه از جنحه یا جنایت عمومی مانع تعلیق بوده و محکومیت بجنحه یا جنایت سیاسی و همچنین محکومیت بجنحه یا جنایتی که نوعاً نظامی می باشد نمیتواند از تعلیق اجرای مجازات جلوگیری کند.

قانونگذار ایرانی جرم سیاسی را تعریف نکرده ولی پاره ای از جرائم سیاسی را تحت عنوان « در جنحه و جنایات بر ضد امنیت مملکت » و « مخالفت و خنثیت با اساس حکومت ملی و آزادی » ضمن فصول اول و دوم از باب دوم قانون مجازات عمومی در جنحه و جنایاتی که مضر بمصالح عمومی است ذکر و مجازات نموده است.

بعلاوه قانون ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ با نسخ ماده ۶۰ ق. م. ع دسته دیگری از جرائم سیاسی را پیش بینی نموده است. ناگفته نماند که باب دوم قانون مجازات عمومی علاوه از جرائم سیاسی موادی مربوط بجعل و سایر جرائم عمومی را نیز در بر دارد. چون قانونگذار در فصول مذکوره فقط بذکر جرائم سیاسی و تعیین مجازات آنها اکتفا نموده لازم است بمنظور تعیین دقیق محکومیت‌هایی که مانع تعلیق می باشند جرائم عمومی از جرائم سیاسی و نظامی تمیز داده شوند.

در قانون مجازات عمومی و متمم قانون اساسی تحت تأثیر تکامل افکار در دنیا در قرن نوزدهم نسبت بمجرمین سیاسی چند نکته ارفاقی پیش بینی شده است: متمم قانون اساسی در محاکمات سیاسی حضور هیئت منصفه را ضروری اعلام و این مطلب را قانون ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ در هیئت منصفه تأیید نموده است.

بعلاوه عدم تأثیر محکومیت‌های سیاسی در تکرار (ماده ۶۲ ق. م. ع) و اختیار وسیع مقام سلطنت در عفو جرائم سیاسی (ماده ۵۵ ق. م. ع) و کوتاهی مدت اعاده حیثیت در محکومیت‌های سیاسی از اعاده حیثیت در جرائم عمومی (ماده ۵۹ ق. م. ع) و اعلام امکان عفو عمومی جرائم سیاسی (ماده ۵۴ ق. م. ع) از مظاهر ارفاق مجتنب است نسبت بمجرمین سیاسی.

ولی ارفاق قانونگذار بجرائم سیاسی منحصر بمواد مذکوره بوده و در قوانین متعدد جزائی که در مدت ۲۴ سال اخیر تصویب شده بنا بمقتضیات زمان رویه دیگری نسبت بجرائم سیاسی اتخاذ شده است. این رویه منقارن ظهور رژیمهای استبدادی در اروپا مخصوصاً ناسیونال موسیالیست در آلمان « National Socialiste » و فاشیسم در ایتالیا

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

« Fascisme » و سوویتیک در روسیه « Soviétique » بوده و بانوسانات ضعیفی در تمام مدت مذکوره ادامه داشته است.

نظر باینکه میان رژیم جرائم عمومی در حقوق جزای ایران بشرح مذکور فرقهائی وجود دارد بتشریح نظریات عمومی در مورد جرائم سیاسی از نظر اصول کلی مبادرت مینماید تا امکانی برای تمیز آنها از جرائم عمومی بمنظور روشن نمودن بیشتر ماده ۷ ق. م. ع بدست آید برای شناساندن و تعریف جرائم سیاسی دو تئوری وجود دارد که بهر کدام از آنها ایراداتی وارد شده است در اینجا با شماره مختصر اکتفا میشود.

تئوری اوبژکتیو « Objective ». طرفداران این نظریه صفت جرم را منوط بموضوع « Objet » و منفعتی میدانند که مستقیماً مورد تعرض قرار گرفته است و بالنتیجه از نظر آنها جرائم سیاسی جرائمی هستند که بر علیه اساس و تشکیلات سیاسی دولت می باشد. تئوری سوبژکتیو « Subjective ». طرفداران این نظریه صفت جرم را منوط بعلت و محرك آن « Mobile » میدانند. بالنتیجه جرائمی را که دارای علت و محرك سیاسی هستند جرائم سیاسی می شناسند ولو اینکه این جرائم بمنافع خصوصی نیز لطمه وارد آورد.

در اکثر ممالک قانونگذار تحت تأثیر افکار عمومی عملاً مخلوطی از دو تئوری فوق الذکر را ملاک تشخیص جرائم سیاسی قرار داده است و میتوان گفت امروزه راهنمای قوه مقننه و قوه قضائیه در تعریف جرائم سیاسی افکار عمومی میباشد. اگر نسبت بجرمی افکار عمومی مخالفت شدیدی ابراز نماید آنرا جرم عمومی تلقی مینماید مانند جرائم کومپلیکس « Complexes »: قتل رئیس یک مملکت بایک منظور سیاسی. اکثر جرائم کونکسن « Connexes »: جرائم نسبت باسوال که مسلحانه در جریان یک شورش ارتکاب میشود، جرائم اجتماعی « Sociaux »: جرائم آنارشیزست « Menées anarchistes » و جرائم بر علیه امنیت خارجی مملکت. ولی وقتی که افکار عمومی نسبت بجرمی مخالفت زیادی ابراز نموده و مرتکبین آن مستحق ارفاق بنظر برسند قوای مقننه و قضائیه آنرا سیاسی تلقی می نمایند.

گارو « Garraud » استاد حقوق فرانسوی جرم سیاسی را چنین تعریف می کند: جرم سیاسی عبارت از جرمی است که نه تنها صفت بارز آن « Caractère Prédominant » بلکه موضوع منحصراً بر فرد آن تخریب یا تغییر و یا بر هم زدن یک یا چند عنصر نظم سیاسی می باشد. نظم سیاسی عبارتست از مجموع قوانینی که اداره منافع عمومی را بعهده دارند. نظم سیاسی در خارج شامل استقلال ملت و تمامیت ارضی آن و روابط دولت با سایر دول و در داخل شامل شکل حکومت، تشکیلات قوای عمومی، روابط متقابل آنها و بالاخره حقوق سیاسی افراد است.

یکی از علل عدم مانعیت جرائم سیاسی بتعلیق اینست که هدف و محرك مجرمین سیاسی عالی و غیر از منظور مجرمین عمومی است. حقوق جزای جدید که شخصیت مجرم را در نظر گرفته و بجرم از نظر اجتماعی و شخصی توجه دارد هرگز نمیتواند مجرمین سیاسی را از شمول یک ارفاق قانونی (تعلیق) استثناء نماید.

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

باید دانست که اصطلاح جرائم عمومی یا درمقابل جرائم خصوصی یعنی جرائمی که بوسیله قوانین دیگری غیر از قانون مجازات عمومی پیش بینی شده و یا درمقابل جرائم سیاسی و جرائمی که نوعاً نظامی هستند بکار برده شده است. اینجانب در استعمال عبارت جرائم عمومی معنی اخیر را در نظر دارد.

اکنون که جرائم سیاسی تا اندازه ای روشن گردید بتوضیح جرائم نظامی می پردازد. جرائم نظامی جزائمی هستند که قانون دادرسی و کیفر آرتش ۱۳۱۸ پیش بینی کرده است.

این قانون مشتمل بر جرائم کاملاً نظامی و جرائم مختلط است. جرائمی که کاملاً نظامی هستند عبارتند از کوتاهی از یک تکلیفی که نوعاً نظامی است مانند فرار از جنگ و جرائم مختلط جرائم عمومی هستند که از طرف سربازان ارتکاب میشوند و اصولاً مجازات آنها شدیدتر از مجازاتی است که در صورت ارتکاب از طرف یک فرد عادی پیش بینی شده است مانند سرقت اشیاء نظامی. با ذکر مراتب عبارت جنحه یا جنایت (ماده ۴۷ ق. م.ع) با قید لفظ عمومی در مقابل جرائم سیاسی و جرائمی که نوعاً نظامی هستند در نظر گرفته میشود.

### محکومیت سابق بحبس یا بیک مجازات شدیدتر ناشیه از جنحه یا جنایت عمومی.

با وجود سکوت قانونگذار و فقدان رویه قضائی در این مورد باید علاوه کرد که از میان محکومیتهای سابق ناشیه از جنحه یا جنایت عمومی تنها محکومیتهای بحبس بیشتر از دو ماه و یا بیک مجازات شدیدتر مانع تعلیق می باشد.

در مورد محکومیت بجزای نقدی باید توجه داشت که عبارت «... بواسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی محکوم نشده باشد...» شامل جزای نقدی جنحه ای نیز می باشد مع هذا مبنای تعلیق و منطبق محکومیت های سابق بجزای نقدی را از جرگه محکومیتهائی که مانع تعلیق هستند خارج می کند.

زیرا در حقوق جزای ایران جزای نقدی بعنوان مجازات اصلی فقط در مورد جنحه های غیر مهم پیش بینی شده و محکومیت بان در سبب قضائی منعکس نمیشود (تصویب نامه ۱۳۲۱ راجع بسبب قضائی) و در نتیجه به سبب قضائی کسی که بجزای نقدی محکوم میگردد خلشدهای وارد نمیشود.

بعلاوه اثر تذکر جزای نقدی ضعیف بوده محکوم بجزای نقدی اصولاً توقیف نشده و بازندان و آثار وخیم آن سر و کاری پیدا نمی کند. بدین ترتیب تعلیق مجازات کسیکه سابقه محکومیت بجزای نقدی دارد بمنظور اصلاح وی و جلوگیری از جرم بصره جامعه است.

روی همین اصل بنظر اینجانب محکومیت بجزای نقدی جنحه ای ولو بدفعات متعدد نمیتواند مانع اعطای تعلیق گردد.

## تعلیق اجرای مجازات در ایران

ابا در مورد محکومیت بجهس تا دو ماه مستقیماً از مفهوم مخالف بند ۲ ماده ۲۴ اصلاحی ۱۳۱۰ ق. م. ع اینست که محکومیت بجهس تا دو ماه سابقه برای تکرار محسوب نمیشود. تعبیر دیگر چنین محکومیت در سبج قضائی محکوم منعکس نمیگردد (ماده ۶ تصویب نامه شماره ۷۲۱۴-۱۱/۴/۱۳۲۱ هیئت وزیران مربوط بسبج قضائی).

بعلاوه طبق ماده ۴ ملحقه بآئین دادرسی کیفری جس تا دو ماه قابل تبدیل جزای نقدی بوده و در اغلب موارد کسیکه تا دو ماه محکومیت پیدا می کند ولو با قسط پرداخت مبلغ لازم اقدام و بزدان نمیرود.

این دو نکته و منظور اصلی تعلیق محکومیت های بجهس تا دو ماه را از شمول عبارت فوق الذکر ماده ۴۷ ق. م. ع خارج می کند.

نا گفته نماند بازداشت ناشی از عدم پرداخت جزای نقدی و یا ضرر و زیان مدعی خصوصی، محکومیت های خلافی و محکومیت های زمان صغر نمیتواند مانع تعلیق گردند زیرا بازداشت قبل از جریمه یا ضرر و زیان بمنظور تسهیل وصول جریمه و یا ضرر و زیان مدعی خصوصی بوده و منطوق ماده ۴۷ ق. م. ع فقط بمانعیت محکومیت های ناشیه از جنحه یا جنایت دلالت دارد نه بمحکومیت های ناشیه از خلاف.

بعلاوه چون جرائم خلافی اصولاً مهم نبوده در سبج قضائی ثبت نمیشود. ارتکاب آنها نمیتواند دلیل بر تمایلات مجرم بارتکاب جرم تلقی گردد.

بالاخره چون بنا بماده ۵ قانون ۶ مرداد ۱۳۲۸ قانون اصلاح بعضی از مواد آئین دادرسی کیفری مقررات مربوط بتکرار جرم درباره صغار جاری نمیشود محکومیت های زمان صغر نباید در سبج قضائی منعکس گردد. و همین امر موجب میشود که موقع اعطای تعلیق بمحکومیت های زمان صغر توجهی نشود.

### محکومیت قطعی سابق ناشی از جنحه یا جنایت عمومی.

بصرف اینکه موضوع محکومیت سابق جس بیش از دو ماه و یا مجازات شدیدتر بوده و ناشی از جنحه یا جنایت عمومی بوده باشد کافی برای محرومیت مجرم از تعلیق نبوده و بلکه محکومیت باید قطعی و غیر قابل تجدید نظر گردد.

بعبارت دیگر محکومیت سابق قبل از وقوع جرم موضوع تعلیق باید اعتبار امر مختوم را پیدا کرده باشد « L'autorité de la chose jugée » قانون و رویه قضائی ایران در این مورد تصریحی ندارد ولی سبأله بقدری روشن است که قانونگذار احتیاجی بتعرض بان ندیده است.

زیرا بطریق اصول کلی قضائی مادی که محکومیت قطعی نشده قابل اجراء نبوده و نمیتوان آنرا یک تذکار کامل دستگاه عدالت بمجرم دانست محکومیت های که قطعی بوده و میتوانند مانع تعلیق گردند عبارتند از:

- ۱ - احکام غیر قطعی که مدت استیناف و تمیز آنها منقضی شده یا اینکه دادستان و محکوم از حق استیناف و تمیز خود صرف نظر کرده اند.
- ۲ - احکام غیابی که مدت اعتراض، استیناف و تمیز آنها منقضی شده است.

### تعلیق اجرای مجازات در ایران

۳ - احکام قطعی که مورد تقاضای تمیز از طرف دادستان و محکوم واقع نشده است.

۴ - احکام قطعی که تقاضای تمیز آنها رد شده است ( ماده ۷۳ آ. د. ک.) در اثر سکوت قانون آئین دادرسی کیفری و فقدان رویه قضائی در مورد احکام غیابی محاکم استان یا شهرستان که ابلاغ نشده باشند معلوم نیست آیا چنین احکام مانع تعلیق هستند یا نه ولی مستنبط از ماده ۶۳۹ و بند ۳ ماده ۱۸۷ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه اینست که : احکام غیابی محاکم جنائی و احکام غیابی محاکم جنحه یا انقضای مدت مرور زمان قطعی و غیر قابل تجدید نظر میگردند. بالتسبیح چنین احکام از نظر قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه مانع تعلیق اجرای مجازات میباشند.

### محکومیت قطعی سابق ناشی از جنحه یا جنایت عمومی صادره

#### از محاکم ایرانی .

قطعی و غیر قابل تجدید نظر بودن محکومیت سابق ناشی از جنحه یا جنایت عمومی کافی برای جلوگیری از شمول تعلیق نبوده و باید مرجع صادرکننده آن یک محکمه ایرانی باشد.

مقتن نسبت باین امر توجهی معطوف نداشته و دیوانکشور نیز فرصت اظهار نظر پیدا نموده است ولی در اکثر ممالک اروپائی باتوجه باصل حاکمیت ملی محکومیت های صادره از محاکم خارجی را مانع تعلیق نمیدانند.

باید دانست که طبق تبصره بند (ه) قسمت الف ماده ۲ تصویب نامه شماره ۷۲۱۴/۱۱/۱۳۲۱ هیئت وزیران درج احکام مقامات قضائی کشورهای بیگانه را راجع بمحکومیت اتباع ایران یا محکومیت کسانی که قبلاً تابعیت ایران را داشته اند و یا بیگانگان و یا کسانی که تابعیت معینی ندارند و در خاک ایران مقیمند در صورتی در برگ سجل قضائی قید میشود که موضوع محکومیت بموجب قانون ایران نیز بزه شناخته شده باشد.

بنظر اینجانب با وجود این تبصره احکام محاکم خارجی نمیتواند مانع جریان تعلیق مجازات گردد.

چه اولاً : تصویب نامه هیئت وزیران فقط در حدود قانون و برای تسهیل اجرای آن قابل قبول بوده و نمیتواند قدرت قانونی داشته باشد.

ثانیاً : عبارت ماده ۵۶ ق. م. ع. منصرف باحکام صادره از محاکم ایرانی بوده و تا موقعی که نص قانونی در این مورد وجود نداشته باشد احکام محاکم خارجی ولو اینکه در سجل قضائی اشخاص ثبت شده باشد نمیتواند مانع تعلیق گردد.

با در نظر گرفتن توضیحات مذکوره اولین شرط ماهوی تعلیق اجرای مجازات عبارت خواهد بود از :

« فقدان محکومیت قطعی ناشی از جنحه یا جنایت عمومی بحسب بیش از دو ماه یا بیک مجازات شدیدتر که از محکمه ایرانی قبل از ارتکاب جرم موضوع تعلیق صادر شده باشد و یا حذف محکومیت سابق با عفو عمومی یا اعاده حیثیت و یا اعاده دادرسی. »